

# ادعای نتانياهو و بی توجهی سازمان ملل متحد

امیرفیض- حقوقدان

امروز خبری منتشر شده که آقای نتانياهو گفته اسست ایران بدنبال امپراطوری است و ایران را متهم کرده که آنها میخواهند شیعه هارا همه جای خاور میانه صادرکنند.

اظهارات آقای نتانياهو مصداق شیره را خورد وگفت شیرین است را تداعی میکند.

اتهام یعنی نسبت دادن عملی نادرست به شخصی که آن شخص منکر ارتکاب آن عمل است.

برخلاف تصور آقای نتانياهو، جمهوری اسلامی هرگز منکر تلاش برای ایجاد حکومت شیعه در خاور میانه نشده، و دامنه قصد جمهوری اسلامی هم محدود به صدور حکومت شیعه فقط در خاورمیانه نیست بلکه گسترش و برقراری آن در تمام کشورهای جهان است. آقای نتانياهو برای اصالت اظهاراتش به نقشه کشی هم متوسل شده که <قسمش راست درآید> و این ها درحالی است که جمهوری اسلامی راسا وقاطعانه اهداف و نیت خودش را در صدور انقلاب و ایجاد حکومت شیعه در همه کشورهای جهان در قانون اساسی اش نوشته است و آنچه هم که در قانون اساسی اش در این باب نوشته حب و بغض و یا نظر شخصی نیست فلسفه دینی آنها از قرآن و سنت تشیع گرفته شده است و بقول خودماتی <موی لای درز آن نمیروند>.

## تأثیر خبر نادرست

آقای نتانياهو جوری اعلام خبر میکند که گویی کسی از مقاصد جمهوری اسلامی در صدور انقلاب اسلامی و برقراری حکومت تشیع در همه کشورهای جهان آگاه نیست و ایشان اولین و تنها کسی هست که فلان غول راشکسته است.

## اتهام نیست

اعلام واقرار جمهوری اسلامی مبنی بر صدور انقلاب اسلامی به تمام کشورهای غیراسلامی که رعایت و اجرای آن آنقدر جدی و اصولی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیاده شده است را **نمیتوان اتهام نامید** اتهام نسبت به موردی است که باید به اثبات برسد، درحالیکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی صدور انقلاب اسلامی و برقراری حکومت تشیع تکلیف دولت جمهوری اسلامی است دیگر نمیتوان از واژه اتهام استفاده کرد؛ چیزی که مورد اقرار و اعتراف قرارگیرد از دایره اتهام خارج است، تاچه رسد که بصورت نص و آنهم قانون اساسی کشوری که مورد اتهام را بصورت تکلیف دولت درآورده است.

استفاده از واژه اتهام در مورد مزبور از اهمیت موضوع می‌کاهد و قصد جمهوری اسلامی در صدور انقلاب و ایجاد حکومت شیعه در کشورهای جهان را تبدیل به نظر و آرزو مینماید و <نظر را هم مکافاتی بر آن نیست>.

### واقعیتی که بشریت به آن بی توجه است

حقیقت این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی چنانکه در قانون اساسی آن کشور پیاده شده انتقال انقلاب اسلامی به تمام کشورهای غیراسلامی است و با دقت بیشتر در اصل اول قانون اساسی و اینکه جمهوری اسلامی بر اساس فلسفه تشیع تشکیل شده است مفهوم اجرایی صادر کردن انقلاب برمیگردد به تحمیل حکومتی از نوع شیعه به تمام کشورهای جهان از مسلمان و غیرمسلمان و گماردن نماینده ولی فقیه بر حکومت آن ملتها.

بدیهی است این اقدام و تکلیفی که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای دولت خود معین کرده نیاز به جنگی وسیع و کشتاری بیسابقه خواهد بود، تجسم آن و تلفیق خواست جمهوری اسلامی با اعتقادات بنیادی مردم کشورهای جهان که بحث حیات و ممات را پیش میکشد بدون گفتگو مغایر با منشور سازمان ملل متحد است.

**جامعه جهانی باید به این مشکل عظیم بشریت و نیز سازمان ملل توجه جدی همراه با بصیرت و دوراندیشی داشته باشد؛ چرا که نمیشود کشوری با چنان خواسته و هدفی که تشریح شد عضو سازمان ملل متحد باشد.**

منشور سازمان ملل بی توجه به مورد نبوده است و در مورد جمهوری اسلامی و یا کشورهایی که در تخطی از اصول مندرج از منشور سازمان ملل اصرار میورزند در ماده ششم منشور تعیین تکلیف کرده است.

### ماده ششم

هر عضو ملل متحد که در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد ممکن است بوسیله مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت از مجمع اخراج گردد.

چرا باید رئیس جمهور، جمهوری اسلامی در حالیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی را نمایندگی میکند و به آن سوگند هم یاد کرده و یکی از مراتب سوگند او صدور انقلاب اسلامی آنهم از نوع تشیع به تمام کشورهای جهان است در مراسم سالانه مجمع شرکت کند و هیچیک از اعضای سازمان به این حضور او اعتراضی نکند و بحث مغایرت قانون اساسی جمهوری اسلامی با موازین منشور سازمان ملل مطرح نشود؟

### تالی فاسد بی توجهی به فساد جمهوری اسلامی

بی اعتنائی و گذشت زمان و عدم اعتراض قاطع به موقعیت حقوقی جمهوری اسلامی در عضویت سازمان ملل متحد موجب عوارضی خواهد شد که بخشی از آن ممکن است بقرار زیر باشد.

## اعتراض ناوارد

اعتراض همه کسانی که موقعیت جمهوری اسلامی در سازمان ملل را به دلیل ذکر هدف صدور انقلاب اسلامی در قانون اساسی زیر سوال می‌برند و یا کمک و حمایت جمهوری اسلامی را از پایگاه‌های اسلامی، عنوان کمک به تروریسم می‌خوانند، و یا اقدام شورای امنیت سازمان را بر تحمیل قطعنامه‌های ذیل ماده ۴۱ و حتی برجام را ناوارد و درخور تجدید نظر خواهد ساخت زیرا:

❖ بنابراین رضایت ضمنی در عقود و یا رویه حقوق بین الملل، هرگاه طرف مقوله ای در عین اینکه با اقدام طرف مقابل مخالف است و آنرا نوعی تعدی برحق خود میدانند معهذا بدون عنوان کردن مورد، با همان متجاوز به حق، همکاری کند، این مورد معطوف به رضایت ضمنی در عقود و معاملات است و تحت شرایطی سبب سقوط حق و ادعا می‌گردد.

نمونه حقوق بین الملل هم میتواند چنین باشد؛ کشوری که برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشرویا منشور سازمان ملل مرتکب اعمال و رفتاری میشود، سازمان ملل بمناسبت هانی آنرا نادیده می‌گیرد مانند حمله آمریکا به عراق، این میشود یک رویه بین المللی که بسیار خطرناک است برای امنیت جهانی، ولی بهرحال چون مورد عمل سازمان ملل قرار گرفته بصورت قرینه ای در موارد مشابه قابل اجراست، مگر اینکه سازمان ملل آن عمل را محکوم کند.

## سایه های ظاهری رضایت ضمنی در عمل جمهوری اسلامی

۱. قصد جمهوری اسلامی در برقراری حکومت شیعه در خاورمیانه و جهان قصد امروز آن جمهوری نیست، این قصد ناشی از انقلاب اسلامی سال ۵۷ است که برای حصول مقاصد و از جمله همین صدور انقلاب اسلامی به کشورهای کفر به جریان افتاد و کشورهای جهان بلا استثناء جمهوری اسلامی را با همین قانون اساسی کنونی برسمت شناخته و در ردیف کشورهای عضو سازمان ملل متحد قرار گرفت.

۲. جمهوری اسلامی چهل سال است با قصد اسلامی کردن همه کشورهای کفر و تحمیل حکومت اسلامی از نوع تشیع روبروی کشورهای غیرمسلمان جهان و حتی مسلمان اهل تسنن ایستاده است، و در تمام این مدت جمهوری اسلامی با هیچ پنهانکاری و وسواسی قصد و نیت کشورش را در صدور انقلاب اسلامی به تمام کشورهای جهان روبرو نبوده است و علنی و آشکارا عمل کرده است و اساساً فرض پنهان کاری و یا تردید در صدور انقلاب اسلامی به تمامی کشورهای کفر از اصول اعتباری دین و مذهب جمهوری اسلامی است و تغییر ناپذیر مینماید.

۳. جمهوری اسلامی ۴۰ سال است با این قصد و اراده آشکار در کنار کشورهای عضو سازمان ملل نشسته و با آن کشورها همکاری داشته. در کنار سایر کشورها بعضویت سازمان های منشعب از سازمان ملل در آمده در عهدنامه های بین المللی شرکت داشته یعنی کشورهای عضو سازمان از جمله همین اسرائیل بطور ضمنی قصد جمهوری اسلامی در تحمیل حکومت اسلامی به کشور هایشان را پذیرفته اند.

۴. وقتی قانون اساسی جمهوری اسلامی (فصل صادرات اسلام به کشورهای کفر) مورد تائید سازمان ملل قرار گرفته جمهوری اسلامی حق خواهد داشت که برای انجام آن تکلیف مقرر در قانون اساسی کشورش به سلاح های پیشرفته و هر نوع سلاحی که برای انجام آن هدف انتقال اسلام به تمام کشورهای کفر لازم باشد مجهز شود و شورای امنیت نمیتواند! علیه جمهوری اسلامی تصمیمات سخت خاصه در مورد سلاحهای هسته ای بگیرد.

## کج دارو مریز

جمهوری اسلامی عضو از سازمان ملل است که سرچنگ و کشتار و خونریزی وسیع برای تحمیل دین و مذهب خود به تمامی پیروان مذاهب و کشورها را دارد؛ آن کشورها از جمله اسرائیل و آمریکا و فرانسه و غیره که هدف صدور انقلاب اسلامی قرار گرفته مجهز به سلاح های هسته ای و موشک های خاص هستند، در حالیکه سازمان ملل و شورای امنیت آن سازمان، موجودیت و هدف جمهوری اسلامی را تائید میکند نمیتواند اسباب رسیدن به آن اهداف که حداقل سلاح اتمی است منع کند و نمیتواند از طرفی سازمان ملل عضویت جمهوری اسلامی را پذیرا باشد و از سوی دیگر شورای امنیت همان سازمان با اجرای ماده ۴۱ منشور ویرجام دست جمهوری اسلامی را به سلاح هائی که لازمه موفقیت نسبی علیه کشورهائی است که عموماً به سلاح هسته ای مجهزند ببندد این عمل کج دارو مریز و قابل قبول نیست زیرا هدف مشروع سبب مشروعیت ابزار رسیدن به هدف میگردد.

جمهوری اسلامی همان داعش است با این تفاوت که جمهوری اسلامی از بیحالی سازمان ملل و کشورها استفاده کرده و درکنار وزیر چتر مصونیت و عضویت سازمان ملل همان مقاصد داعش را در معیارهای حقوق بین المللی میخواهد اجرا کند؛ داعش حدش قسمتی از خاک عراق و سوریه بود و حد جمهوری اسلامی ۵ قاره جهان.

## برداشت

میتوان گفت که عمل جمهوری اسلامی و سکوت کشورها و گذشت زمان و حتی ایجاد رابطه سیاسی و همکاری های بین المللی، بصورت رویه ای در آمده که بنظر دشوار میآید که صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی را که مخالف منشور سازمان است از اسباب استیضاح و اجبار آن کشور برای اصلاح و تطبیق قانون اساسی خود با منشور سازمان دانست و تقاضای اجرای ماده ششم منشور را درباره جمهوری اسلامی بامشکل روبرو میسازد؛ ملاحظه ابعاد موضوع نشان میدهد که این مواع در سالهای قبل و از جمله سال ۱۳۸۲ که رساله «راهی بسوی تامین امنیت جهانی» نوشته شد به قوت این روزها نبود و اگر کشورها از موقعیت کنونی جمهوری اسلامی و ملاحظاتی که قطعه نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ایجاد کرده و تحریم هائی که بواسطه نقض حقوق بشر و ایجاد آشوبها در کشورهای دیگر علیه جمهوری اسلامی استوار شده، استفاده نمایند و در مقام تغییر موضع حقوقی جمهوری اسلامی بر نیایند و شرط رفع تحریم های خارج ازیرجام را در اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار ندهند فرصت بسیار مناسب و آماده ای را از دست داده اند.

توجه - این تحریر در بردارنده این نیت نیست که جمهوری اسلامی با اصلاح قانون اساسی خود و تطبیق آن با منشور سازمان ملل مورد تائید خواهد بود. (پایان)